

متن پرسش

سلام علیکم: وقتتون به خیر استاد در شرح حدیث جنود عقل و جهل و در بحث «رضا» فرمودید که بعضی ها مثلا ویژگی مادرزادی دارن که کوتاه قد باشند، فرمودید که این آدم نباید از روزگار ناله کنه که چرا من قدم بلند نیست. من این حرف شما رو قبول دارم، چون حتما مصلحت در این بوده که این آدم کوتاه قد باشه. ولی یه مثال دیگه ای فرمودید که نتونستم درکش کنم. شما گفتید یک نویسنده ای بوده که میخواست به سخنرانی کنه، وقتی شروع می‌کنه به سخنرانی اینقدر بد حرف میزنه که دیگه هیچ وقت سمت این کار نمیره. شما این رو به عنوان یک مثال برای راضی بودن افراد مطرح کردید من سوالم اینه که آیا این فرار از نقص های خودمون نیست؟ بله، درسته که ویژگی های مادرزادی رو نباید تغییر داد. ولی کسی که مثلا فن بیانش خوب نیست و نمی تونه سخنرانی کنه که نباید از مشکل فرار کنه و بگه من به تقدیر خدا راضی هستم! الان کسی مثل حضرت آقا که اینقدر در ابعاد مختلف رشد کردن، آیا اگر همین نگاه رو داشتن مانع این نمی شد که این همه کمالات به دست بیارن؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! یک وقت انسان استعداد کاری را دارد لذا باید آن را به کار گیرد تا از قوه به فعل آید. ولی یک وقت کسی استعداد کاری را ندارد این جاست که باید خودش متوجه شود و خود را به زحمت نیندازد. به گفته‌ی عزیزالدین نسفی: «ای درویش! یکی را استعداد کاری را داده‌اند و او در این کار چون قدم زند به راحتی جانش می‌افزاید. و یکی را استعداد آن کار ندادند، تلاش او در آن کار، جان‌کندن است.» چرا باید همه مانند همدیگر باشیم؟! موفق باشید